

میل ترکیبی کلمات

علی خزاعی فر

در هر زبان «قوانین» یا «محدودیت‌هایی» وجود دارد که به موجب آن نمی‌توان هر کلمه را با هر کلمه دیگر ترکیب کرد. این اصل بدیهی نزدیک به دو قرن پیش مورد توجه لغت نامه نویسان قرار گرفت و در دهه‌های اخیر کاربردهای متعددی در تألیف لغت نامه‌ها، تدریس زبان خارجی، توصیف متن و آموزش ترجمه پیدا کرده است. این قوانین، قوانین دستوری نیستند که بتوان آنها را از کتب دستور آموخت. فرد در جریان دوره طولانی فراگیری زبان مادری خود با این قوانین یا محدودیت‌ها آشنا می‌شود و نسبت به آنها دانشی ناخودآگاه یا «شم» پیدا می‌کند به طوری که می‌تواند آن قوانین را بدرستی بکار گیرد و نیز ترکیبات نادرست را تشخیص بدهد. بحث روابط ترکیبی کلمات برای مترجم اهمیت بسیاری دارد - حتی مترجمان حرفه‌ای نیز گاه ترکیبات نادرست و نامأنوس بکار می‌برند - اما این بحث در واقع دانش جدیدی به مترجم نمی‌دهد، بلکه تنها توجه او را به دانش ناخودآگاه او از قوانین حاکم بر ترکیب کلمات و لزوم رعایت آنها جلب می‌کند. نقض این قوانین در ترجمه خیلی زود به چشم می‌آید و خواننده پس از خواندن چند سطر ترجمه را ضعیف و غیر قابل اعتماد تشخیص می‌دهد.

در متون زبانشناسی واژه collocation (هم نشینی) برای بیان رابطه ترکیبی میان کلمات بکار می‌رود. رابطه ترکیبی میان کلمات یک زبان را می‌توان با عاریت گرفتن اصطلاحی از علم شیمی به میل ترکیبی کلمات تعبیر کرد. میل ترکیبی کلمات نسبت به یکدیگر متفاوت است. بطور کلی کلمات را می‌توان از نظر میل ترکیبی به چهار دسته کلی تقسیم کرد: دسته اول کلماتی هستند که در ترکیب‌های «آشنا» و «ثابت» به کار

می‌روند. اصطلاحات و عبارات کلیشه‌ای به این دسته تعلق دارند. مترجم باید این ترکیبها را در متن اصلی شناسایی کند و ترکیبهای معادل (و نه ترجمه لفظ به لفظ) آنها را در ترجمه بکار بگیرد. برخی از این ترکیبات به قرار زیرند:

pay attention to, flock of sheep, to and fro, sexual harrassment, day and night, ladies and gentlemen, mother and father, knife and fork

دسته دوم ترکیباتی هستند که اهل زبان بر اساس قوانین حاکم بر ترکیب کلمات آنها را «طبیعی» می‌یابند، هرچند پیشتر آن ترکیبات را ندیده یا نشنیده باشند. نیز گاه دو یا سه کلمه در ترکیبی به کار می‌روند که از نظر اهل زبان، هرچند «طبیعی» نیست اما «پذیرفتنی» است. این قبیل ترکیبها بیشتر در متون ترجمه شده ظاهر می‌شوند و گر نه فرد وقتی که به زبان مادری خود می‌نویسد معمولاً ترکیبات دسته اول و دسته دوم را می‌سازد و نه ترکیبات دسته سوم را. و بالاخره گاه دو یا سه کلمه ترکیبی را می‌سازند که اهل زبان آن را پذیرفتنی نمی‌دانند و معلوم است که تحت تأثیر ترجمه بر زبان تحمیل شده است. مشکل مترجم این است که اگر نمی‌تواند ترکیبی «آشنا» یا ترکیبی «روان و طبیعی» بسازد، لاقلاً باید ترکیبی «پذیرفتنی» پیدا کند. اهل زبان بویژه دانش آموختگان بالقوه توانایی تشخیص ترکیبات نادرست و نامانوس را دارند، اما مترجم باید، فراتر از مرحله تشخیص، بتواند ترکیب ساز نیز باشد و شاید مبالغه نباشد اگر بگوئیم تفاوت مترجمان با یکدیگر، خاصه در متون ادبی، در قدرت ترکیب‌سازی آنهاست.

از جمله ترکیبات مختلف کلمات، چهار دسته ترکیب هستند که در ترجمه‌های فارسی از اهمیت بیشتری برخوردارند. این ترکیبات عبارتند از: ترکیب فاعل یا مفعول + فعل، ترکیب اسم + صفت، ترکیب قید + فعل، ترکیب اجزای سازنده فعل ترکیبی. در اینجا پس از بحث مختصری درباره نحوه استفاده لغت‌نامه نویسان از پدیده میل ترکیبی کلمات، مثالهایی از ترکیبات چهارگانه فوق ذکر خواهیم کرد.

لغت‌نامه نویسان از پدیده میل ترکیبی کلمات به طرق زیر استفاده می‌کنند:

۱- برخی کلمات همشین (collocate)های ثابتی دارند و در ترکیب‌های ثابت و آشنایی بکار می‌روند. معمولاً همشین این نوع کلمات در ضمن تعریف مدخل ذکر می‌شود. به دو مثال زیر توجه کنید:

hoary: (of hair) grey or white with age

آبگز: (در اطلاق به میوه) آب لمبو، شل، ترش شده، لهیده

۲- برخی کلمات همشین‌های ثابتی ندارند ولی کلماتی که با آنها بکار می‌روند محدود است. لغت‌نامه نویسان با آوردن عبارت *esp. of a* (مخصوصاً در اطلاق به) یا آوردن مثالی یا مثالهایی محدود و پتهای ترکیبی کلمه را تا حد زیادی نشان می‌دهند.

Sandy: (esp of hair) yellowish-brown in colour

prototype: first original example (eg of an aircraft, etc)

do: be good, satisfactory or convenient, enough (for a purpose, for sb) answer a

purpose

These shoes won't do (ie are not strong enough) for mountain-climbing.

This log will do for a seat.

Will that do or you need a longer ladder?

آتراکت: فاصله، وقفه، قطع (مخصوصاً فاصله‌ای که جهت رفع خستگی میان نمایش دو نیمه فیلم می‌دهند؛ میان پرده)

آباد کردن: از تهیدستی (نیاز، فقر) در آوردن، سیر کردن،

اگر آن پول بموقع برسد، آبادم می‌کند (آباد می‌شوم).

در سالهای اخیر در آموزش زبان توجه زیادی به روابط ترکیبی کلمات شده است. هدف آموزش زبان این است که دانش آموز بتواند در گفتار یا در نوشتار ترکیبات درست یا لااقل ترکیبات پذیرفتنی اهل زبان را بسازد و ترکیبات زبان مادری را از طریق ترجمه عیناً به زبان مقصد منتقل نکند. لغت نامه‌نویسان نیز روشهایی ابتکاری برای توضیح هرچه بهتر قوانین و محدودیتهای ترکیبی بکار برده‌اند. برای مثال در فرهنگ اصطلاحات آکسفورد، علاوه بر معنی کلمه، فهرستی از کلمات دیگر مانند صفت، اسم، فعل و قید که می‌توانند با کلمه بکار بروند داده شده است. به توضیح فعل disagree توجه کنید:

disagree (with) (about/over): not to be of the same opinion

subject: wife, brother, colleague, friend

object: (about/over) method, means, procedure, how to do sth, whether to take part

adjective: heartily, strongly, emphatically

همچنین به یک شیوه ابتکاری دیگر برای معرفی همنشین‌های کلمات در لغت نامه‌ها توجه کنید:

Committee

appoint a ____

dissolve a ____

sit on a ____

transmit to a ____

action ____

ad hoc ____

budget ____

alibi

to establish an ____

provide an ____ for

to confirm sb's ____

to break (disprove)an ____

an airtight, foolproof ____

unassailable ____

آبدار: ۱. (میوه) پر آب، شاداب، رسیده

۲. (ناسزا، فحش، متلک، قلمبه) گزنده، تند، نیش‌دار

۳. (بوسه) جانانه، عالی

۴. (کشیده، سیلی، پس گردنی) شدید، محکم

در اینجا به برخی از ترکیبات نادرست برگرفته از دو ترجمه چاپ شده توجه کنید. این ترکیبات را به تفکیک در چهار دسته به شرح زیر آورده‌ایم:

الف: اسم + صفت

مردی سیه‌فام	اندوه ستمکشانه مادر
چشمانی آبی رنگ و آبیکی	یکی از گوشه‌های عمده دهکده
مردی ظاهراً سوء هاضمه‌ای	به آهنگی نیمه‌گرافه فریاد زد
لبخند غیر مفهوم	صورت صاف و میخکی رنگش
چشمانش به دو سوراخ تنگ و نامرتب شباهت داشت	تکه چوبی رنگ پریده
بارانی پیگیر	زندگی و اخورده‌اش
	نگاهی تر و تمیز

ب: (فاعل یا مفعول) + فعل

سقف ترشح داشت	چهار لیوان پیازی زده بود
چشمهایش به چشمک زدن پرداختند	از اشکالات جزیره رها شده بود
روحش چروکیده بود	بهترین کاری که به او عرضه شد
در محاکمات سابقه بر این است که ...	شاید هوار می‌آمد و او را زیر می‌گرفت
چشمان او خالی بنظر می‌رسید	بیند طرز اندیشه هوشمندانه او چگونه انجام می‌گرفت
از یک خستگی رنج می‌برد	تاثیری که ... تولید می‌کند

ج: قید + فعل

معجلاً گفت	بطور گذرا گفته بود
مرحمتاً به عرض دادگاه برسانید	ناگهان تا میزانی از جا در رفت
به نحو باری به هر جهت پرسید	در حدود معینی حرف می‌زد

د: ترکیب نادرست اجزای سازنده فعل ترکیبی

ما را پذیرایی کرد.	باید از آنها توجه می‌کرد.
دچار نعره و فریاد شده بود.	از رسم خارج شده بود.
حدس بسیار ضعیفی داشتم.	از تاب من بیرون بود.
این اطلاع به من داده شد.	از همه کس مظنون است.

در مقاله‌ای تحت عنوان «ترجمه‌های غریب و نامفهوم در زبان فارسی» دکتر ابراهیم شکورزاده به

۱ - چهار دسته ترکیبی که ذکر کردیم در ترجمه فارسی اهمیت بیشتری دارند، وگرنه ترکیبات دیگری نیز وجود دارد، مثل ترکیب اسم + اسم (عنوان جوانی). ترکیبات مختلف را می‌توان تحت عنوان کلی‌تر «گرته برداری» نیز بحث کرد.

ترکیبات نامأنوس، غیر منطقی و نامفهوم عده‌ای از مترجمان اشاره کرده و می‌گویند این افراد «از طریق انتشار ترجمه‌های غلط اندک اندک زبان فارسی را به سوی تباہی و نابودی می‌کشاند». برخی از ترکیباتی که در این مقاله به عنوان مثال ذکر شده از این قرار است:

خنده زرد، فکرهای خرچنگی، دستهای مثلثی، آسمان گوسفندی، هیکل زنبوری، جدایی کیلومتری (بین دو دلداری)، شتاب گیجانه، بوی تنبل، بوی ناهضم، صدای دورنما، با همان شیمی پریشانی‌اش آنها زندگی‌شان را با کرحی و خواب زدگی خُر خُر کشیده‌اند ... آنجا آینه‌ای شگرف و نامهربان یکی از زاویه‌های اتاق را کج کج می‌بست ... خنده زرد، خیانت بلند، ... رمان رودخانه‌ای، مادرم برایم جای ساخت ...

فرد در خلال آموختن زبان مادری خود همه ترکیبات ممکن کلمات را نمی‌شنود، بلکه قوانینی را استنتاج می‌کند که به مدد آنها ترکیب را «طبیعی» یا «پذیرفتنی» می‌داند. دانشجویان دروس ترجمه گاه ترکیبات نادرست و عجیب و غریب می‌سازند، اما در کلاس وقتی با استاد به منطقی (مثلاً فکرهای خرچنگی یا ماهه غلیظ مزارع را می‌تراشد، عباراتی غیر منطقی هستند) یا با استاد به قوانین عرفی ترکیب کلمات (مثلاً در فارسی نمی‌گوئیم ازدواج دور از تناسب یا پالتو بخور رنگ) نادرست بودن ترکیب را به آنها یادآوری می‌کنیم و ترکیب درست را بیان می‌کنیم، تصدیق می‌کنند و می‌پذیرند.

اکنون این سؤال پیش می‌آید که اگر مترجمان به مدد ششم زبانی خود نادرستی ترکیبات را تشخیص می‌دهند پس چرا این همه ترکیبات نادرست و نامأنوس در ترجمه‌ها وجود دارد. ساختن ترکیبات نامأنوس با توجه به افراد و نوع متن دلایل متعددی دارد. برای مثال در کار مترجمان حرفه‌ای نیز گاه ترکیبات نادرست می‌بینیم که سه دلیل می‌توان برای آن تصور کرد:

۱- اولین دلیل «تداخل زبانی» است که به نحوی ظریف و ناخودآگاه در ترجمه اثر می‌گذارد. مترجم که با زبان مبدأ انس پیدا کرده در ابتدا متوجه نمی‌شود که ترکیبی که در زبان مبدأ کاملاً طبیعی و قابل قبول است در زبان مقصد نامأنوس است. در مرحله بازخوانی و ویرایش متن مترجم یا ویراستار این ترکیبات نادرست را اصلاح می‌کنند.

۲- مترجم گاه نامأنوس بودن ترکیب را درک می‌کند اما نامأنوس بودن ترکیب یا به این دلیل است که او اجزاء ترکیب را غلط تفسیر کرده است یا راه دیگری برای بیان آن ترکیب نمی‌یابد و چون حذف را هم جایز نمی‌داند به ترکیبی نامأنوس تن در می‌دهد. یکی از رایج‌ترین خطاهای مترجمان که منجر به ساختن ترکیبات نامأنوس می‌شود این است که مترجم معنی اولیه کلمه را بر معانی ثانویه تحمیل می‌کند (رجوع کنید به مقاله معنی اولیه و معانی ثانویه، مترجم شماره ۵). وجود ترکیبات نامأنوس در چنین مواردی را باید به حساب کم مایگی مترجم گذاشت. مترجم هیچ اجباری برای حفظ ساخت ترکیب (مثلاً اسم + صفت) ندارد، بلکه می‌تواند ترکیب را به بیانی دیگر و به ساختی دیگر ترجمه کند. او پیش از آنکه به حفظ شیوه بیان متعهد باشد، به حفظ معنی و ایجاد تأثیر برابر متعهد است. به عبارت دیگر ترجمه او باید همچون متن اصلی زبانی

روان داشته باشد. البته گاه مترجم استدلال می‌کند که ترکیب نامأنوسی که ساخته در زبان مبدأ نیز نامأنوس بوده است و لذا غرابت ترکیب در ترجمه نیز باید حفظ شود. برای مثال مترجم می‌گوید هدف نویسنده در عبارت «رودخانه عبوس می‌نمود.» این بوده است که صفت انسانی عبوس بودن را به رودخانه نسبت بدهد و «عبوس» در متن هیچ معنایی غیر از این ندارد. در این موارد، که معمولاً در متون ادبی خاصه در شعر دیده می‌شود، حق با مترجم است. البته تشخیص نامأنوس بودن ترکیب در زبان مبدأ کار دشواری است و نیاز به آشنایی عمیق مترجم با زبان مبدأ و موضوع مورد بحث دارد. ولی معمولاً نویسندگان ترکیب‌هایی بکار می‌برند که در یکی از سه دسته «ترکیبات آشنا و ثابت»، «ترکیبات طبیعی و روان» و «ترکیبات پذیرفتنی» می‌گنجد.

ج - مترجمانی نیز هستند - معدود و کم مایه - که معتقدند نباید رنگ و بوی غرابت را از ترجمه زدود و ترکیبات را باید عیناً به زبان مقصد منتقل کرد. این مترجمان بر خلاف دکتر شکورزاده وجود این ترکیبات را نه تنها سبب تباهی زبان نمی‌دانند بلکه آنها را عامل «تفاوت» و «زیبایی» و نیز تقویت بنیه بیانی زبان فارسی می‌دانند و با اصلاح و ویرایش این ترکیبات بسختی مخالفت می‌کنند. اینان استدلال می‌کنند که محدودیت‌های ترکیبی کلمات در هر زبان تابع قواعدی جبری و ابدی نیستند بلکه همچون معنی کلمات مدام در حال تغییرند و این تغییر خود بخودی نیست بلکه اهل زبان از روی ضرورت و با ساختن ترکیبات جدید بویژه از طریق ترجمه آن را بوجود می‌آورند. بنابراین ترکیبی که امروز پذیرفتنی به نظر نمی‌رسد ممکن است بر اثر تکرار این بحث را بیابد که به ترکیبی پذیرفتنی تبدیل شود، چنانکه صدها ترکیب مشابه در زبان پذیرفته شده و امروزه بدون هیچ قبح و کراهتی بکار می‌روند. از این گذشته اگر قرار است ترجمه نقشی در توسعه زبان داشته باشد، ترکیبات از جمله مواردی هستند که توان بیانی زبان را افزایش می‌دهند.

این استدلال بهره‌ای از حقیقت دارد، اما تعمیم آن به هرج و مرج و فساد در زبان می‌انجامد^۱. زبان فارسی قدرت ترکیب‌سازی کم نظیری دارد. از آن گذشته، «ترکیب فارسی» هم به نوشته اصالت و زیبایی می‌بخشد و هم دقت بیان را افزایش می‌دهد. تغییر معنی کلمه که در طول زمان صورت می‌گیرد و نیز به عاریت گرفتن کلمه خارجی برای بیان مفاهیم جدید، دو پدیده طبیعی، عام و اجتناب ناپذیر هستند، اما ترکیبات نادرست که بدلیل ضعف مترجم و تحت تأثیر متون خارجی در زبان ایجاد می‌شود، ارتباط زبانی بین افراد بخصوص بین نسلاها را مخدوش می‌کند^۲. آیا جز ضعف غیر قابل بخشش مترجم دریافتن ترکیبات درست فارسی دلیلی دیگر برای ساختن و، از آن مهمتر، توجیه چنین ترکیباتی می‌تواند وجود داشته باشد؟ مترجم یا مرعوب متن اصلی است و از آزادهای مشروعی که در اختیار دارد غافل است و خود را در محدوده کلمه اسیر می‌کند و تفکر خود را بکار نمی‌گیرد و از خود نمی‌پرسد در زبان فارسی برای چنین ترکیبی چه

۱ - بحث مبسوط‌تر در این زمینه را به وقتی دیگر موکول می‌کنیم.

۲ - رجوع کنید به مقاله «مسأله امانت در ترجمه»، ابوالحسن نجفی، مسائل نثر فارسی، ۱۳۶۳، مرکز نشر دانشگاهی

معادلی بکار می‌رود و یا یکی از دو جزء ترکیب را غلط معنی می‌کند. به مثالهایی از هر دو مورد توجه کنید:

the sweet smell of success

بوی شیرین موفقیت (بوی خوش موفقیت)

I believe him.

من او را باور می‌کنم. (حرف او را باور می‌کنم)

He took no notice of his personal appearance.

به ظاهر شخصی خود هیچ اعتنایی نداشت. (به سر و وضع خود هیچ اعتنایی نداشت)

Jane was especially beautiful tonight.

جین امشب مخصوصاً زیبا بود.

(جین امشب از هر شب دیگر زیباتر بود)

Villagers are friendly and hospitable.

روستائیان دوستانه و مهمان نواز هستند. (روستائیان مهربان و مهمان نواز هستند)

The experts are now convinced that....

متخصصان اکنون متقاعد هستند که ... (متخصصان اکنون مطمئن هستند که ...)

The President's policy alienated many of his followers.

خط مشی رئیس جمهور بسیاری از طرفدارانش را بیگانه کرد.

خط مشی رئیس جمهور بسیاری از طرفدارانش را از دوروبرش پراکند (دلسرد کرد).